

## از گوشه و کنار

جریمه پیاده‌ها  
به جای متخلفان ساختمانی!

رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران، معتقد است قراردادان بلوک‌های سیمانی یا پلاستیکی در پیاده‌راه‌ها شیوه درستی از اعمال قانون علیه متخلفان ساختمانی نیست.

بلوک‌های بزرگ سیمانی ابزار مدیران شهری برای متخلفانی ساختمانی است که ضوابط شهرسازی را رعایت نکرده‌اند، اما تعداد زیاد این بلوک‌ها در معابر و پیاده‌راه‌ها بیشتر از این که جریمه متخلفان ساختمانی باشد، جریمه عابران پیاده‌ای است که از این معابر کم عرض عبور می‌کنند.

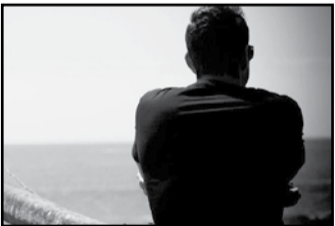
این بلوک‌های ساختمانی تاکنون مانعی برای تردد در ساختمان‌ها یا معابر متخلف نشده است، آن‌ها با جابه‌جایی اندک این بلوک‌ها راه خود را پیدا می‌کنند، اما دشواری آن برای عابران پیاده است.

عضو سابق شورای شهر تهران درباره استفاده از این روش برای برخورد با متخلفان ساختمانی می‌گوید: «شهرداری تهران بنا به دلایل مختلفی اعم از پرداخت نکردن عوارض و یا خلافی و هم چنین تخلف در ساخت‌وساز، اقدام به قرارداد نیوجرسی در مقابل یک واحد تجاری می‌کند.

به‌طور کلی هر واحد تجاری که چهار چوب و ضوابط شهری را رعایت نکند مشمول برخورد شهرداری خواهد شد و یکی از انواع برخورد با ساختمان‌های متخلف نیز قرارداد نیوجرسی در محل ورودی ساختمان‌ها است.

ابوالفضل قناعتی می‌افزاید: «بسیاری از مردم در برابر حقوق خود آگاه نیستند یا اگر آگاه باشند نیز این اراده برای پیگیری و تحقق حقوق خود را ندارند و اعتراض نمی‌کنند. این مساله باعث شده است موضوع نهادینه شود. این در حالی است که شهرداری تهران به هیچ عنوان حق سد معبر در پیاده‌راه یا ایجاد مانع برای شهروندان را ندارد و این خلاف قوانین حقوق شهروندی است و قانون شهرداری‌ها نیز این اجازه را نمی‌دهد اما نهادینه شده است.»

با حضور معاون وزیر دادگستری همراه بود

بررسی راهکارهای حل  
بحران‌های جنسی در دنیا

پاتوق هفتگی «حل بحران جنسی و راه‌های عبور از آن» این هفته با حضور معاون وزیر دادگستری با موضوع بررسی راهکارهای حل بحران‌های جنسی در دنیا، امروز برگزار شد.

سلسله نشست‌های بررسی وضعیت «بحران جنسی و راه‌های عبور از آن» که هر هفته سه‌شنبه با حضور ایده‌پردازان، فعالان و اساتید برجسته این حوزه توسط کارگروه خانواده سفیر فیلم برگزار می‌شود؛ این هفته با حضور محمود حکمت‌نیا معاون وزیر دادگستری، با موضوع بررسی راهکارهای حل بحران‌های جنسی در دنیا به همراه بحث و گفت‌وگو تشکیل شد.

این نشست‌ها در راستای ایجاد بستری برای هماهنگی اقداماتی که در مقابله با بحران جنسی انجام می‌شود، ایجاد شده است.

در این برنامه که هر هفته سه‌شنبه ساعت ۱۶ در مجموعه سفیر فیلم واقع در خیابان انقلاب، بین ابوریحان و فلسطین، بن‌بست سرروش، پلاک ۲ تشکیل می‌شود، اساتید و ایده‌پردازان صاحب‌نظر به بیان ایده‌های خود در حوزه رفع بحران جنسی می‌پردازند.

ممکن است برخی از پزشکان مدعی شوند گل درمان ندارد، اما منظور این است که گل در مان «دارویی» ندارد و در مان «علامتی» دارد. یعنی فرد مصرف‌کننده دچار عوارضی هم چون افسردگی می‌شود و به‌طور مستقیم برای درمان افسردگی دارو تجویز می‌شود

این مورد دانش‌آموزان را توجیه کند و باین مسئله همان برخوردی را در پیش بگیرد که با آموزش مسائل و معضلات جنسی در پیش گرفته. دانش‌آموزان باید بدانند در مان اعتیاد به گل سخت و طولانی است.

## گل: عوارض و درمان

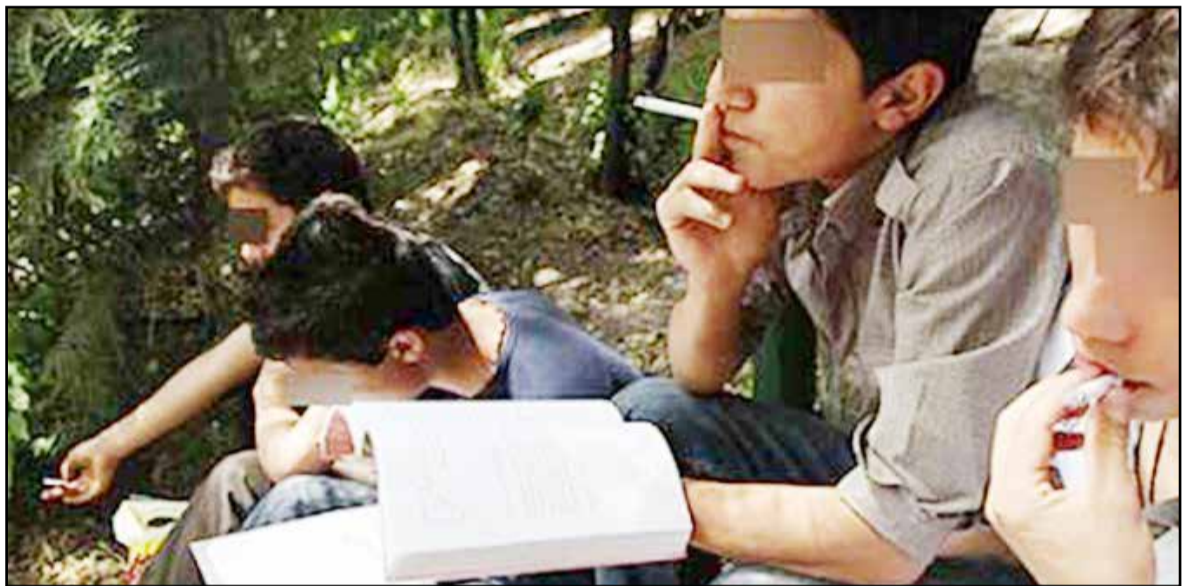
حسین اسدی‌بیگی، رئیس اورژانس اجتماعی کشور در مورد مخدر گل و شیوع آن می‌گوید: «گل در حالی دومین مخدر مصرفی در کشور اعلام و هشدارها در این زمینه آغاز شده است که به نظر می‌رسد هنوز تحقیقات و بررسی‌های جامع در خصوص آثار مصرف آن در بین مصرف‌کنندگان و نمود آن در جامعه صورت نگرفته و در این زمینه کارشناسان اتفاق نظر ندارند.»

اسدی‌بیگی معتقد است مخدر گل بیشتر در فرد باعث بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی می‌شود، در بین مصرف‌کنندگان گل «سنندرم بی‌انگیزگی» بسیار شایع است و برای جوانان که باید به فکر آینده، تشکیل خانواده، ادامه تحصیل و... باشند بسیار مخرب بوده و روند زندگی آن‌ها را به شدت مختل می‌کند. اما متأسفانه مصرف گل در میان جوانان و نوجوانان ایرانی به‌شدت رایج شده است و طبق آمار رسمی ستاد مبارزه با مواد مخدر، گل پس از تریاک دومین مخدر مصرفی کشور است. «اسدی‌بیگی در خصوص درمان این مخدر می‌گوید: «همکن است برخی پزشکان مدعی شوند گل درمان ندارد. اما باید بدانید منظور این است که گل درمان «دارویی» ندارد و درمان «علامتی» دارد یعنی فرد مصرف‌کننده دچار عوارضی هم چون افسردگی می‌شود و به‌طور مستقیم برای درمان افسردگی دارو تجویز می‌شود. بنابراین مانند تریاک یا هرئوئین نمی‌توان آن را درمان کرد. در خصوص گل درمان اصلی «روان‌درمانی» است و دارودرمانی فقط برای عوارض جانبی آن ارائه می‌شود.»

در بین دانش‌آموزان افزایش پیدا کرده است و وزارت آموزش و پرورش هم در این زمینه بسیار بسته عمل می‌کند. هنوز راهکار و برنامه جدی برای پیشگیری آسیب‌های اجتماعی در مدارس وجود ندارد.

پرویز افشار، سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر در اولین نشست خبری این ستاد در سال جاری، بین آمارهای مختلفی که از کشفیات مواد مخدر در سال گذشته ردیف کرد، به یک آمار کلیدی هم اشاره کرد؛ او از پاکسازی حاشیه مدارس تا شعاع ۵۰۰ متری در سال گذشته خبر داد و گفت: «سال ۹۶ در شعاع ۵۰۰ متری مدارس، سینماها و مراکز آموزش عالی، یک تن و ۹۰۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر، کشف شده است.» ۱۹۰۰ کیلوگرم مواد مخدر کشف شده از حاشیه مدارس را در نگاه اول وقتی در مقابل ۸۱۰ تن کشفیات انواع مواد مخدر و روانگردان در سال گذشته قرار بدهیم، رقم چشمگیری به نظر نمی‌رسد، اما وقتی افشار چند بار تأکید کرد که این یک تن و ۹۰۰ کیلوگرم، از خرده فروش‌ها و به‌صورت یک گرم یک گرم کشف شده، نگاه‌ها متوجه خطری شد که جمعیت دانش‌آموزی کشور را تهدید می‌کند.

**آموزش و پرورش و انکار همیشگی آموزش‌ها**  
آموزش و پرورش در رابطه با آسیب‌های دانش‌آموزی، کاملاً محافظه‌کارانه و بسته عمل می‌کند. معمولاً آمار هم داشته باشد، یا آنرا اعلام نمی‌کند، یا مشکل را از بیخ‌وبین انکار می‌کند. مسئولان آموزشی فکر می‌کنند اگر در این باره اطلاع‌رسانی نکنند بهتر عمل کرده‌اند. آن‌ها فکر می‌کنند اعلام آمار آسیب‌های اجتماعی در مدارس تبعات اجتماعی منفی در پی خواهد داشت. البته هراس از زیر سوال رفتن عملکرد خود آموزش و پرورش هم مزید بر علت است چرا که اکنون «گل» دومین ماده مخدر پر مصرف در میان دانش‌آموزان است مسئولان این وزارتخانه عریض و طویل اما باید بپذیرند این واقعیت تلخ در لایه‌های مختلف جامعه وجود دارد و گریزی از آن نیست و اگر مدارس نتوانند اطلاعات کافی و به‌موقع در اختیار نوجوان‌ها قرار دهند آن‌ها از منابع نامطمئن یعنی گروه همسالان و اینترنت، اطلاعات را کسب می‌کنند. چرا که در برخی سایت‌های اینترنتی اطلاعات نادرستی درباره مخدر گل منتشر می‌شود که می‌گویند این ماده اعتیادآور نیست و مصرف آن در بسیاری از کشورها آزاد است در حالی که گل هم اعتیادآور است. و با شیوع فراگیر استفاده آن، آموزش و پرورش موظف است در



بعدش که اشاره می‌کنم و به کم شدن حافظه و سردرد و بدخلقی و کم تحملی. می‌گویند عوارض از الکل و مخدرهای دیگر کمتر است. می‌گویند باید حد حال و هوای بد و افسرده‌کننده‌ای دارد، چون معلم‌ها بد اخلاق و سخت‌گیرند، چون پدر و مادر می‌پول ندارند که برویم تفریح و مسافرت. چون نمی‌توانیم موسیقی درست و حسابی گوش بدهیم و با بچه‌ها دور هم جمع بشویم و کارهای بهتری بکنیم. راحت‌ترین و بی‌خطرترین و کم‌خرج‌ترین کار، همین شاد شدن با سیگاری است. من شادای لازم دارم؛ از ناله‌های پدر و مادرم که تاملی‌رسند خانه به جای سلام می‌گویند: «وای چقدر خسته‌ام»، خسته شده‌ام. از این که می‌بینم مدام دارند حساب و کتاب می‌کنند، حالم بد می‌شود.

باجه‌های بعد از مدرسه به پارکی همان نزدیکی‌های رویم و سیگاری می‌زنیم. اگر بویش لومان ندهد، هر کس ببیند فکر می‌کند داریم سیگار می‌کشیم. سیگار کشیدن که جرم نیست؛ سینا، سانی و بچه‌های دیگر که حالا سر در دل شان باز شده و احتمالاً قبل این که این جادور هم جمع بشویم، به قول خودشان «زده‌اند»، از حس و حال بعد از مصرف گل می‌گویند و این که آن حس و حال را دوست دارند. «وقتی می‌کشی زمان کش می‌آید، صدها رو می‌تونی دقیق بشنوی با جزئیات و حتی از راه دور. مزه‌ها رو بهتر متوجه می‌شی، همه چی خیلی عمیق و دقیق می‌شه.» به حال مواد مخدر ارزان و در دسترس!

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک با اشاره به این موضوع که امور اجتماعی در کشور در حاشیه قرار دارد، ادامه می‌دهد: «وقتی در جامعه موضوعات و دغدغه‌های اجتماعی در حاشیه قرار می‌گیرند، طبیعی است که آسیب‌های اجتماعی زیاد می‌شود. کسانی که در اقتصاد مواد مخدر فعالیت دارند و آن‌ها را بفروش می‌دهند، استفاده از آن‌ها برای خود توجیه می‌کنند.»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

هم دانش آموز است و البته فقط مصرف‌کننده نه ساقی بیشتر سیگاری استفاده می‌کند و می‌گوید حس خوبی به او می‌دهد، چون جامعه و مدرسه کلا حال و هوای بد و افسرده‌کننده‌ای دارد، چون معلم‌ها بد اخلاق و سخت‌گیرند، چون پدر و مادر می‌پول ندارند که برویم تفریح و مسافرت. چون نمی‌توانیم موسیقی درست و حسابی گوش بدهیم و با بچه‌ها دور هم جمع بشویم و کارهای بهتری بکنیم. راحت‌ترین و بی‌خطرترین و کم‌خرج‌ترین کار، همین شاد شدن با سیگاری است. من شادای لازم دارم؛ از ناله‌های پدر و مادرم که تاملی‌رسند خانه به جای سلام می‌گویند: «وای چقدر خسته‌ام»، خسته شده‌ام. از این که می‌بینم مدام دارند حساب و کتاب می‌کنند، حالم بد می‌شود.

باجه‌های بعد از مدرسه به پارکی همان نزدیکی‌های رویم و سیگاری می‌زنیم. اگر بویش لومان ندهد، هر کس ببیند فکر می‌کند داریم سیگار می‌کشیم. سیگار کشیدن که جرم نیست؛ سینا، سانی و بچه‌های دیگر که حالا سر در دل شان باز شده و احتمالاً قبل این که این جادور هم جمع بشویم، به قول خودشان «زده‌اند»، از حس و حال بعد از مصرف گل می‌گویند و این که آن حس و حال را دوست دارند. «وقتی می‌کشی زمان کش می‌آید، صدها رو می‌تونی دقیق بشنوی با جزئیات و حتی از راه دور. مزه‌ها رو بهتر متوجه می‌شی، همه چی خیلی عمیق و دقیق می‌شه.» به حال مواد مخدر ارزان و در دسترس!

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

موسوی چلیک هم مثل دانش‌آموزان مصرف‌کننده به یک معضل در واقع غفلت مهم اجتماعی اشاره می‌کند: «در کشور ما فرصتی برای گفت‌وگوهای اجتماعی وجود ندارد. فضای مناسبی برای شادای‌های مشروع در نظر نگرفته‌ایم. مدارس ما شادای گریزند، خانواده‌ها شادای گریزند و جوانان و نوجوانان مکان و فضایی برای تخلیه انرژی‌شان ندارند و به این میانبرها روی آورده‌اند، میانبر چیست؟ مصرف مواد مخدر ارزان و در دسترس!»

آذر فخری، روزنامه‌نگار

اسمش را می‌گذاریم سانی. دختری که ساقی هم‌کلاسی‌هایش است و مامور تهیه «گل» برای خیلی از بچه‌های مدرسه. البته مدرسه راهنمایی. یعنی رنج سنی بچه‌هایی که سانی ساقی آن‌هاست بین ۱۲ تا ۱۵ سال است. اطلاعات خیلی کامل و گسترده‌ای درباره انواع گل و تاثیر هر کدام از آن‌ها دارد. و برای هر کسی بسته به روحیه و حس و حالی که لازم دارد، گل در بساطش دارد. می‌پرسم: خودت چی؟ خودت هم مصرف می‌کنی؟ پوزخندی می‌زند و می‌گوید خب بله که خودم هم مصرف می‌کنم. گل که موردی ندارد. خانواده‌ها هم می‌دونن. اصلاً پدر و برادر ام تو کار کشت و تولید گل هستن. من هم خوشم می‌آید از گل. حس و حال خوبی می‌دهد. به‌خصوص وقتی امتحان داریم، بچه‌های بیشتر مصرف می‌کنند. از اعتیاد او می‌پرسم با هم می‌گویند: گل اعتیادآور نیست. با تردید نگاهش می‌کنم. می‌دانم که اطلاعات خیلی دقیقی در مورد این ماده مخدر دارد. می‌گوید: «خوب بستگی به آدمش دارد و تعداد دفعاتی که مصرف می‌کند و مقداری که می‌زند. اگر زیاده‌روی کند، احتمالاً معتاد می‌شود، من که نشدم!»

## احساس‌رهایی‌وشادی

به این یکی می‌گوییم سینا، او

## یادداشت

## نیازمند چند راهنمایی فوری!

## آسیه ویسی

خوب تا خبر خیلی بیات نشده، بیایید کمی درباره اش گپ بزنیم. خبر همین آقایی که گفته بچه‌های دبستانی هم می‌توانند (و باید) از دواج کنند. مبارک است. ما که از عروسی و بز و بکوب بدمان نمی‌آید. خدا قسمت همه جوانان - بی‌خشد همه بچه‌ها - کند.

رسانه ملی هم در همین راستا، در حال پخش سریالی به نام «بچه‌مهندس» است که دو بازیگر نوجوان دختر و پسر در آن نامزد هم‌دیگر شده‌اند، مژگان خانم ۱۴ ساله هم برای پر آب و تاب کردن ماجرای حق و حقوق خودش به‌عنوان «زن» برای خواستگار دل از کف داده ۱۶ ساله‌اش آقا جواد، شرط و شروط ضمن عقد می‌گذارد. آقا جواد هم شرط‌ها را قبول می‌کند و برای نشان‌دار! کردن مژگان خانم، برای او گردن بند می‌خرد و بعد دو تایی با هم می‌روند شهر بازی! به همین سادگی، به همین خوشمزگی!

این طوری است که با حل شدن مشکل دواج کودکان، حتی در سنین زیر ۱۳ سال و در سال‌های ابتدایی و دوران دبستان، دیگر می‌توانیم شب‌سرمان را راحت روی بالش بگذاریم و از شر این آینده‌هراسی و معضل بیکاری و بحران

را قبول نکرده‌اند. حالا راهنمایی کنید که چه‌طور می‌شود برای دختر و پسر دبستانی دم بخت‌مان، وام از دواج بگیریم؟ خیلی ممنون!

پرسش دیگر مان این است که اگر بچه هشت، نه، ساله حالا دختر یا پسر، می‌تواند از دواج کند (و به زعم شما چه غریزه کامل بیدار شده باشد چه نه که احتمالاً نظر بعدی‌تان این خواهد بود که این زیبایی خفته را بیدار کنید!) چرا دارید با سندن ۲۰۳۰ مخالفت می‌کنید و معتقدید که امضای آن باعث فاسد شدن بچه‌های ما می‌شود؟ مگر در همین سند به مسئله آموزش مسائل جنسی و بهداشت آن برای دانش‌آموزان اشاره نکرده است؟ خوب اگر قرار است بچه‌های کلاس دوم و سوم دبستان به مبارکی به عقد و از دواج هم در بیایند، این سند را امضا کنید تا بچه‌های مادر محیط امن مدرسه یاد بگیرند چه‌طور رابطه جنسی داشته باشند که مشکل بهداشتی و بارداری ناخواسته برای‌شان اتفاق نیفتد. خوب بچه در آن سن این رابطه را به شیوه درستش کجا باید یاد بگیرد؟ از فیلم‌های نامناسب و فضای مجازی بهتر است یا از طریق مدرسه و معلم و مربی بهداشت که مورد اعتماد مردم و والدین هستند؟! البته بماند که برخی علما با ما و اگرهای‌شان، باعث تشویش آذهان برخی خانواده‌ها شده‌اند و مثلاً هاشم‌زاده هریسی، نماینده مجلس خبرگان گفته: «شرع مقدس از دواج در سنین پایین را رد نمی‌کند و دختران زیر ۱۳

اقتصادی و گرانی و نخواندن دخل و خرج راحت شویم. باور کنید گاهی گره کور بسیاری از مسائل اجتماعی با حل شدن همین مسئله از دواج کودکان، باز می‌شود.

اما چند تا سوال هست که مدام در ذهن مان خار خار می‌کند. و هر چه دو تا چهار تا می‌کنیم، نمی‌توانیم جواب درست و درمانی برای آن‌ها پیدا کنیم.

بعضی سوال‌ها اگر چه خصوصی است، ولی دانستن جواب آن‌ها، صرفاً جهت مشاوره و استفاده از تجربیات این آقا، مشکل ما را که بچه‌دبستانی دم بخت داریم حل می‌کند. مثلاً این آقا خودش هم هفت هشت سالگی از دواج کرده؟ و بچه‌هایش را هفت هشت سالگی به خانه بخت فرستاده؟ آن وقت خرج زندگی‌شان را چه کسی داده، آقا امام مدرسه را رها کرده و رفته کار کرده و شده کودک کار؟ یا داماد هشت ساله اگر زن دارد و کار می‌کند که دیگر کودک کار نیست. صاحب زن و زندگی است و دندش نرم باد کار کند؟! سوال دیگر این است که الان که وام از دواج شده ۳۰ میلیون تومان، بچه هشت ساله‌مان که دم بخت است و داریم برایش آستین بالا می‌زنیم، می‌تواند برود این وام را بگیرد؟ چون چند وقت پیش که رقتیم بانک برایش حساب باز کنیم، گفتند باید ولی‌اش بیاید. اصلاً امضایش

سوال دیگر این است که الان که وام از دواج شده ۳۰ میلیون تومان، بچه هشت ساله‌مان که دم بخت است و داریم برایش آستین بالا می‌زنیم، می‌تواند برود این وام را بگیرد؟ چون چند وقت پیش که رقتیم بانک برایش حساب باز کنیم، گفتند باید ولی‌اش بیاید. اصلاً امضایش

سوال دیگر این است که الان که وام از دواج شده ۳۰ میلیون تومان، بچه هشت ساله‌مان که دم بخت است و داریم برایش آستین بالا می‌زنیم، می‌تواند برود این وام را بگیرد؟ چون چند وقت پیش که رقتیم بانک برایش حساب باز کنیم، گفتند باید ولی‌اش بیاید. اصلاً امضایش

سوال دیگر این است که الان که وام از دواج شده ۳۰ میلیون تومان، بچه هشت ساله‌مان که دم بخت است و داریم برایش آستین بالا می‌زنیم، می‌تواند برود این وام را بگیرد؟ چون چند وقت پیش که رقتیم بانک برایش حساب باز کنیم، گفتند باید ولی‌اش بیاید. اصلاً امضایش